

## صحیفه جامعہ و علم امام

محمدتقی شاکر<sup>۱</sup>

رضا برنجکار<sup>۲</sup>

### چکیده:

مکتب تشیع، امام علیه السلام را دارای ارتباط و آگاهی از علم الهی می‌داند، و بر این باور است که دانش پیشوایان شیعه علیهم السلام، فراتر از علم عادی، دارای مجاری و مبادی خاص می‌باشد. موضوع منابع دانش و سرچشمه معرفت پیشوایان شیعه علیهم السلام، با بررسی آیات و روایات مطرح در این مسئله، قابل پی‌گیری است. در روایات، از جمله منابع علم امام، کتابی بنام جامعہ دانسته شده است. نگارش این نوشته در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، توسط امیرالمومنین علیه السلام، بر روی قطعات متعددی از پوست انجام پذیرفته است. جستاری در روایات فراوان این حوزه، نشان از انتقال دانشی گسترده و جامع دارد که امام علیه السلام را از دیگران بی‌نیاز، و مردم را برای به‌دست آوردن حقایق احکام و مسائل خود، نیازمند به امام می‌نماید. این صحیفه نشانه‌ای بر عرضه کامل حلال و حرام توسط پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** علم امام، منابع علم امام، صحیفه جامعہ، جفر ابیض، صحف انبیاء علیهم السلام.

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه - دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. دانشیار دانشگاه تهران - پردیس قم.

\* رایانامه: 14mt.shaker@gmail.com \*\* دریافت: ۹۱/۲/۱۲ تأیید: ۹۱/۹/۲۵

اهمیت پاسخ صحیح به این پرسش که؛ منبع دریافت احکام و قوانین الهی پس از پیامبر چه کسی است؟ و چرایی طرح این سوال، به دلیل نمایان بودن اختلاف میان مسلمانان، امری روشن است. زیرا نتیجه روی آوردن به منابعی همانند تفسیر شخصی از دین (تفسیر برأی) و استحسان و قیاس، دور ماندن از مصالح حقیقی و آثار طبیعی پیوند یافته با احکام واقعی است. آیا خدای سبحان برای مردم پس از قرآن و سنت نبوی راهی بدون خطا بیان نموده است، تا بوسیله آن، حقایق کتاب و سنت نمایان گردد و یقین جایگزین گمان در تبیین معارف و احکام الهی باشد. آیا نشانه هائی از انتقال کامل و دقیق دانش عظیم پیامبر (صلوات الله علیه و آله) به افرادی معین در جهت بهره مندی مردم از معارف و احکام واقعی و کامل شریعت وجود دارد. پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با انحصار مرجعیت دینی و علمی در پیشوایان شیعه؛ تعیین راه رسیدن به حقایق قرآن و سنت را در ایشان میدانند و به این باور هستند که بر این گفتار جنبه های علمی و عملی مهمی مترتب می باشد. شیعه بر ادعای انحصار خود دلالتی استوار از آیات و روایات و ادله ای از تاریخ و عقل ارائه می نمایند. ادعای انحصار در مرجعیت با مسئله منابع آگاهی و علم امام پیوند می یابد. و مذهب تشیع در پاسخ به چرایی انحصار مرجعیت در ائمه (علیهم السلام)، دانش و علم امام را الهی و ویژه میدانند. مقاله پیش رو با این نگاه به معرفی یکی از منابع خاص و ویژه دانش و علم امام می پردازد. و نشان میدهد که دانش احکام و حلال و حرام الهی به صورت کامل توسط پیامبر به جانشین وی انتقال یافته است و امام در مسئله احکام الهی بیانگر همانی است که از پیامبر دریافت نموده است.

### علوم انتقالی به امام و جایگاه جامعه

روایاتی فراوان، ارتباط علمی خاص میان پیامبر با امیرالمومنین را به تصویر می کشد. ترمذی در سنن خود از امام علی نقل می کند، هرگاه از پیامبر سوالی می نمودم، دانش آنرا پیامبر به من اعطا می فرمود و

آنگاه که ساکت می شدم، حضرت خود آغاز سخن می نمود. (ترمذی: ۱۴۰۳، ۵: ۳۰۱) ام سلمه می گوید: جبرئیل بر رسول خدا املاء و حضرت به علی املاء می نمود. آیات نجوی و روایات ذیل آن نیز به خوبی گویای این پیوند علمی است. (زمخشری: ۱۴۰۷، ۴: ۴۹۴؛ فخر رازی: ۱۴۲۰، ۲۹: ۴۹۶؛ آلوسی: ۱۴۱۵، ۱۴: ۲۲۵)

در یک تقسیم بندی نسبت به علوم ائمه (علیهم السلام)؛ یکی از عناوین اصلی انتقال و دریافت علم برای امام، عنوان علوم انتقالی توسط پیامبر می باشد که در کنار دو دسته دیگر یعنی علوم بی واسطه یا عنایات الهی و علوم با واسطه ملک و روح قرار می گیرد. (شاکر: ۱۳۹۰، ۲۳-۳۵) عنوان علوم انتقالی از پیامبر نیز شامل موضوعات متعدد و متنوعی می گردد، که برخی از علوم با گفتار و شنیدن و انتقال روحی تحقق یافته مثل موضوع ألف باب (هزار در علم)، برخی علوم علاوه بر بیان به صورت مکتوب توسط امام در آمده مثل جامعه و برخی به صورت مکتوب به امام منتقل شده مثل کتب پیامبران گذشته که در همه این موضوعات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقش اصلی در انتقال علم به امام را ایفا نموده است، لذا این علوم تحت عنوان علوم انتقالی از پیامبر قرار داده می شود. (ر. ک کلینی: ۱: ۱۳۶۵، ۲۲۱-۲۵۲) جامعه یکی از عنوان های مورد تاکید روایات در رابطه با علم امام می باشد، که نشانه ای از پیوند عمیق میان امامت و نبوت است. جامعه، نگاشته ای معرفی شده، که اثری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می باشد، «انما هو اثر عن رسول الله (صلی الله علیه و آله)». (صفار: ۱۴۰۴، ۱۳۹ ح ۳؛ همو، ۱۴۶ ح ۲۱)

### صحیفه جامعه و گزارش آن در کتب روائی

روایات جامعه به صورت گسترده در دو کتاب حدیثی اصلی و پر قدمت شیعه یعنی کافی و بصائر الدرجات مطرح شده است. مرحوم کلینی در جلد اول در ذیل عنوان "بَابُ فِيهِ ذِكْرُ الصَّحِيفَةِ وَ الْجَفْرِ وَ الْجَامِعَةِ وَ مُصْحَفِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ" هشت روایت ذکر می نماید که در روایات شماره، ۱، ۳، ۴، ۵، ۶ به موضوع جامعه پرداخته شده است. از روایات مطرح شده در این بخش روایت اول، سوم و پنجم روایاتی صحیح و مسند می باشند. در کتاب فضل العلم تحت عنوان "بَابُ الْبِدْعِ وَ الرَّأْيِ وَ الْمَقَائِيسِ" نیز روایاتی در موضوع جامعه بیان شده است. (وجه این امر در ادامه روشن خواهد شد).

همچنین در فروع کافی در کتاب الموارث ذیل باب "الْمَرْأَةُ تَمُوتُ وَلَا تَتْرُكُ إِلَّا زَوْجَهَا" روایاتی که محتوای جامعه در آنها مشاهده می شود بیان گردیده است.

اما در کتاب بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (علیهم السلام)، مرحوم محمد بن حسن صفار در بابی که با عنوان "فی الأئمة أن عندهم الصحيفة الجامعة التي هي إملاء رسول الله وخط علي ع بيده و هي سبعون ذراعاً" نامگذاری نموده است، بیست و چهار روایت در موضوع جامعه مطرح می نماید. همچنین در دو باب دیگر با عنوان "باب آخر فيه أمر الكتب" و "باب فی الأئمة ع أنهم أعطوا الجفر و الجامعة و مصحف فاطمة علیها السلام" روایاتی مربوط به جامعه ذکر نموده است. نمونه ای از روایات صحیح جامعه. ابو بصیر از امام صادق (صلوات الله علیه) نقل می کند:

إِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَ مَا يُدْرِيهِمْ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِمْلَائِهِ مِنْ فُلُقٍ فِيهِ وَ خَطٌّ عَلَيَّ بِيَمِينِهِ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرَشُ فِي الْخَدَشِ وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيَّ فَقَالَ تَأْذَنُ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا أَنَا لَكَ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ قَالَ فَغَمَزَنِي بِيَدِهِ وَ قَالَ حَتَّى أَرَشُ هَذَا. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۳) جامعه نزد ما است و چه می دانند جامعه چیست. گفتم فدای شما، جامعه چیست؟ فرمود: صحیفه و دفتری است که طول آن هفتاد ذراع به اندازه ذراع رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) است. جامعه املاء زبانی پیامبر است و علی با دست خود آنرا نگاشته است. در آن هر حلال و حرامی و هر آنچه مردم به آن نیاز مندند وجود دارد حتی جریمه خدشه ای. آنگاه با دست مبارک به من زد و گفت اجازه می دهی ای ابا محمد، گفتم فدای شما من در اختیار شما هستم، آنچه می خواهی انجام بده، سپس گوشت مرا با انگشتانش فشرد (نشگون گرفت)، و فرمود حتی ارش و جریمه این در جامعه آمده است.

## ویژگی های جامعه (غیر از محتوا)

برای معرفی جامعه، ائمه اطهار (علیهم السلام) اوصاف و خصوصیات را ذکر نموده اند که به صورت دسته بندی می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- حجم زیاد؛ اندازه این صحیفه، از نظر طول هفتاد ذراع، به اندازه ذراع پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد. (همو، ص ۱۵۳ ح ۶؛ کلینی: ۱، ۱۳۶۵: ۲۴۱ ح ۵)

۲- املاء جامعه توسط پیامبر (صلوات الله علیه و آله) و نگارش آن توسط امام علی (علیه السلام)؛ و این گفتن و شنیدن به صورت خصوصی و ویژه بوده است.

۳- جنس جامعه؛ کلمات پیامبر (صلوات الله علیه و آله) بر روی پوست شتر یا گوسفند نوشته شده است. (صفار: ۱۴۰۴، ۱۴۵ ح ۱۹؛ همو، ص ۱۴۹ ح ۱۳)

از جامعه در روایات گاه با تعبیر صحیفه یا کتاب یا جفر نام برده شده است. جمله "و ان عندنا لصحیفه طولها سبعون ذراعاً" با تعبیر مختلفی اما به مضمون یکسانی در روایات آمده است که دلالت بر هفتاد ذراع بودن جامعه می کند.

گرچه شاید ابتدا به نظر برسد مراد از هفتاد ذراع تعبیری غیر حقیقی و بصورت مجازی برای جامع و مطول بودن آن صحیفه باشد و از باب تمثیل و تشبیه بیان شده است، اما قرائنی که در برخی روایات آمده نشان می دهد، تعبیر هفتاد ذراع تعبیری حقیقی است و جامعه، صحیفه یا کتابی قطور و حجیم بوده است، از جمله این قرائن مشاهده برخی از روات و توصیف آن است و همچنین تعبیر و کلمات خود ائمه (علیهم السلام) از آن به مطوی و پیچیده بودن آن دور هم و تصریح به جنس آن که از پوست شتر یا گوسفند می باشد (اختلاف تعبیر شاید به این علت است که جامعه بحسب طولانی بودنش شامل هر دو پوست بوده) از قرائن وجود خارجی داشتن و قابل لمس بودن این کتاب می باشد. همچنین تعبیر از جامعه گاه به صحیفه یا کتاب خود شاهی بر این ادعا می باشد.

## محتوای جامعه

بیان موضوع و محتوای جامعه با عبارتهای نزدیک به هم در کتابهای حدیثی ثبت شده، که با کنار هم قرار دادن آنها و قرائن دیگر می توان به محتوای کلی و موضوع اصلی جامعه دست یافت.

تعبیر "کل ما یحتاج الناس الیه" "تمام نیازمندیهای مردم" (صفار" ۱۴۰۴، ۱، ۲۳، ۱۵۳)، و "ما من حلال ولا حرام الا و هو فیها" "تمام حلال و حرامها" (همو، ۱۴۲ و ۱۴۴) که تعبیر روایات در تبیین محتوای جامعه است، متفاوت به نظر می رسد، زیرا نیازهای مردم ممکن است غیر احکام مثل عقاید باشد. اما به نظر می رسد قرائنی در خود روایات وجود دارد که روشن می کند منظور از تمام نیازها، تمام نیازها در احکام است.

این قرائن علاوه بر روایان احادیث جامعه، و جهت و علت گفتگو درباره جامعه که به فهم محتوای جامعه می تواند کمک نماید، شامل قطعه هایی از جامعه است که توسط امام برای گروهی از اشخاص قرائت شده است، و آنچه قرائت شده بصورت احادیثی در اختیار ماست که دلالت خوبی بر مضمون و مطالب جامعه می نماید. قرائن و شواهد بر محتوای جامعه را می توان اینگونه بر شمرد:

۱- تصریح گروهی از روایات به تعبیر "ما من حلال و حرام" به تنهایی و بدون هیچ اضافه ای. در این روایات عباراتی شبیه "کل ما یحتاج الناس الیه" که گستره بیشتری از موضوعات را علاوه بر موضوعات فقهی شامل می شود ذکر نشده است. (همو، ۱۵۳ ح ۶؛ مجلسی: ۱۴۰۴، ۲۶: ۲۵ ح ۲۵ و ۲۲، ۳۵ ح ۳۶، ۶۰ ح ۳۸، ۶۶ ح ۴۴، ۷۸ ح ۵۲، ۱۰۴ ح ۲۲، ۱۰ ح ۲۳، ۱۵ ح ۲۳، ۱۶ ح ۱۶)

۲- محمد بن مسلم نقل می کند امام باقر (علیه السلام) از وجود کتابی در نزد خود متعلق به امام علی (علیه السلام) خبر داد که ائمه (علیهم السلام) به صورت کامل از آن تبعیت می کنند، محمد بن مسلم می گوید پرسیدم میراث علمی که به شما رسیده آیا جوامعی از علم است یا شامل تفسیر و تفصیل همه اموری که مردم در مورد آن صحبت می کنند مثل طلاق و واجبات می شود؟ حضرت فرمود: همانا علی علیه السلام تمام علم را یعنی قضاء و واجبات را نگاشت و اگر زمان ما فرا رسید چیزی نخواهد بود مگر اینکه در آن سنتی وجود خواهد داشت. (صفار: ۱۴۳، ۱۴۰۴ ح ۷)

همانگونه که ملاحظه می شود فهم محمد بن مسلم از کتاب مذکور به امور مربوط به مسائل احکام و حلال و حرام رفته آنچه او را کنجکاو به پرسشش نموده، یافتن پاسخ این مطلب است که آیا این کتاب و جوامع مانند آن، کلیاتی را ذکر کرده اند یا شامل جزئیات هم می گردد، که حضرت با تایید فهم محمد بن

مسلم و عبارت تفسیری "القضاء والفرائض" برای لفظ "العلم"، کتاب علی (علیه السلام) را شامل جزئیات دانسته است و آن را در برگیرنده تمام سنن پیامبر (صلوات الله علیه و آله) معرفی می نماید.

۳- در برخی از احادیث، قطعه ها و عبارت هائی از جامعه بیان شده است. ملاحظه و دقت در این جملات که تنها بازگویی مسائلی چند از احکام و عبادات است قرینه بر محتوای جامعه می باشد. (همو، ۱۴۳، ۷، ۱۴۵، ۱۴ و ۱۷، ۱۵۷، ۱۶، ۱۵۸، ۲۱، ۱۶۵، ۱۱ ح و ۱۴؛ کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱ ح ۴؛ همو، ۷: ۹۳ تا ۹۵)

نمونه هائی از روایات بیانگر محتوای جامعه عبارتند از:

معتب با تعبیر "اخرج الینا" نقل می کند، امام صادق (علیه السلام) صحیفه ای را نزد ما بیرون آورد که صحیفه ای قدیمی از نگاشته های امیرالمومنین بود و در آن آمده بود: مَا تَقُولُ [نَقُولُ] إِذَا جَلَسْنَا لِتَشْهَدَ. (صفار: ۱۴۰۴، ۱۴۵)

ابو بصیر می گوید نزد امام باقر (علیه السلام) بودم که فرمود جامعه را بیاورند، نگاهی به آن نمود و در آن آمده بود که زنی که بمیرد و وارثی جز همسرش نداشته باشد، تمامی مال او برای مرد خواهد بود. نقل می کند: كُنْتُ عِنْدَهُ فَدَعَا بِالْجَامِعَةِ فَنَظَرَ فِيهَا أَبُو جَعْفَرٍ فَإِذَا فِيهَا الْمَرْأَةُ تَمُوتُ وَتَتْرِكُ زَوْجَهَا لَيْسَ لَهَا وَارِثٌ غَيْرُهُ قَالَ فَلَهُ الْمَالُ كُلُّهُ. (همان)

ابو مخلد از عبدالملک روایت می کند، امام باقر کتاب علی را خواست و امام صادق آنرا نزد حضرت حاضر نمود آن صحیفه همانند ران پیچیده به هم بود، و در آن نوشته شده بود: إِنَّ النِّسَاءَ لَيْسَ لِهِنَّ مِنْ عَقَارِ الرَّجُلِ إِذَا هُوَ تُوُفِّيَ عَنْهَا شَيْءٌ. امام باقر سپس فرمود به خدا این خط علی و املاء پیامبر است. (همو، ۱۶۵) محمد بن مسلم به ملاقات خود با امام باقر (علیه السلام) اشاره و چگونگی مشاهده صحیفه علی که به خط علی و املاء پیامبر بود را مطرح می کند و می گوید خود من حکمی از ارث را در آن مشاهده نمودم. کلینی: ۱۳۶۵، ۷: ۹۳) زراره نیز به حکمی از مسائل ارث در صحیفه اشاره می کند. (ر.ک همو، ۷: ۹۴)

۱. وَجَدْتُ فِي صَحِيفَةِ الْفَرَايِضِ رَجُلٌ مَاتَ وَ تَرَكَ ابْنَتَهُ وَ ابْنَتَهُ فَلِلْأَبْنَةِ ثَلَاثَةٌ أَسْهُمٍ وَ لِلْأَبْنَةِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَهْمٌ يُقَسَّمُ الْمَالُ عَلَى خَمْسَةِ أَجْزَاءٍ فَمَا أَصَابَ ثَلَاثَةٌ أَجْزَاءٍ فَلِلْأَبْنَةِ وَ مَا أَصَابَ جُزْءَيْنِ فَلِلْأَبْنِ.

۴- از جمله شواهد بر محتوای جامعه، عبارات پایانی اکثر احادیث، حتی احادیثی که در آن تعبیر "کل ما یحتاج الناس" آمده، می باشد، که به اتفاق در تمام این روایات به یک مضمون آمده طرح مسئله جرمه و دیه خدشه را بیان می کند، و این دلیلی است که محتوای این صحیفه یا کتاب، تمام مسائل فقهی مورد نیاز مردم می باشد، زیرا اجماع احادیث بر این مثال و نیاوردن موضوع و مثالی از علوم دیگر می تواند قرینه باشد که محتوای جامعه شامل تمامی ابواب و مسائل احکام و عبادات می شود نه موضوعاتی دیگر و گرنه لازم بود جزئی ترین مسئله از علوم و موضوعات دیگر نیز حداقل در برخی روایات ذکر شوند.

این ها شواهدی بود که نشان می دهد محتوای اصلی جامعه، احکام و مسائل حلال و حرام یا همان فقه می باشد. البته به قرائن مذکور قرینه های دیگری هم می توان افزود. از جمله با نگاه کلی و کلان به منابع علوم ائمه (علیهم السلام) می توان ادعا نمود که هر یک از این منابع متکفل بیان و دست یابی به گروه و گونه خاصی از علوم مختلف بوده اند به عنوان نمونه مصحف فاطمه (سلام الله علیها) که جزء منابع مورد تاکید ائمه (علیهم السلام) می باشد منبع شناخت و آگاهی از علوم ویژه ای بوده است، و یا روایت حارث نضری (طوسی: ۴۰۸، ۱۴۱۴ ح ۹۱۶؛ صفار: ۱۴۰۴، ۳۱۶ ح ۱) از امام صادق (علیه السلام) با توجه به مضمون روایات جامعه که آن را مشتمل بر تمام احتیاجات مردم در مسائل فقهی می داند، بیانگر این مطلب است که مصادر و مجاری علمی چون نکت در قلب و نقر در اذن، مسائلی سوای احکام و عبادات می باشد. در برخی روایات کنار هم قرار گرفتن جفر و جامعه باعث گردیده، محتوای جامعه مسائلی فراتر از احکام و حلال و حرام الهی دانسته شود. به عنوان نمونه، امام رضا (علیه السلام) در جریان ولایت عهدی تحمیلی از مامون برای جلوگیری از انحراف فکری شیعه از جمله به جامعه و جفر استناد می - کنند. (اربلی: ۲، ۱۳۸۱: ۳۳۷؛ ابن شهر آشوب: ۱۳۷۹، ۴: ۳۶۴؛ مجلسی: ۴۹، ۱۴۰۴: ۱۵۲) مرحوم اربلی در سال ۶۷۰ این عهدنامه و توشیح حضرت امام رضا (صلوات الله علیه) را مشاهده و عین آنرا نقل می کند. (همان) برخی از اندیشمندان معاصر این عهد نامه را به جهت بیانیه رسمی بودن آن سند بسیار مهمی در اثبات جفر و جامعه می دانند. (ر.ک حائری: ۱۳۸۸، ۸۱) اما با توجه به قرائنی که مطرح شد، باید دقت نمود، مقصود از جفر در اینگونه تعابیر از آنروست که واقعیت داشتن یا نداشتن را در بر دارد و مراد از



جامعه از حیث جواز و عدم جواز می باشد. و هر یک بیانگر مطلبی مخصوص خود است و به کار رفتن این دو به همراه هم نباید باعث سرایت محتوای هر یک به دیگری شود. اما در مورد موارد اخلاقی که به جامعه استناد داده شده است، باید گفت امور اخلاقی هم به امور عملی مربوط می شود و در ذیل حلال و حرام می گنجد.

### انتقال کتب به تمامی ائمه (علیهم السلام)

مطابق روایات این منبع علمی از زمان امام باقر (علیه السلام) (مجلسی: ۱۴۰۴، ۲۶: ۲۲ ح ۲۳، ۱۲، ۱۴ ح ۱۶، ۲۵ ح ۲۴، ۳۳ ح ۵۰، ۳۴ ح ۵۴، ۳۵ ح ۵۹، ۶۲، ۵۱ ح ۵۳، ۱۰۱ ح ۱۰۹، ص ۴۸ ح ۹۰، ۹۰ ح ۵۰، ۹۶ ح ۵۱، ۹۸) به صورت رسمی و وسیع به خواص و گروه های مردم معرفی شد- هر چند روایات دلالت می کنند، قبل از این زمان به صورت ویژه افراد معدودی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) مثل ام سلمه (صغار: ۱۴۰۴، ۱۶۳ ح ۱۶۶، ۱۶۸ ح ۲۳)، و یا طلحه (طبرسی: ۱۴۰۳، ۱: ۱۵۳)؛ سلیم بن قیس: ۱۴۱۵، ۶۵۷) در زمان حضرت امام علی (علیه السلام) از آن آگاه شده اند- در زمان امام صادق (علیه السلام) شهرت بیشتری میان خواص و شیعیان و حتی شاخه های فرعی و منحرف از شیعیان یافته بود. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱ ح ۵؛ صغار: ۱۳۹، ۱۴۰۴ ح ۱۴۲، ۳ ح ۲، ۱۵۳ ح ۶) نشانه این شهرت سؤالات ابتدائی گروهی از اصحاب و مردم درباره جامعه به ویژه از امام صادق و امام رضا (علیهم السلام) است. نقل شده که منصور بن حازم به خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و از امام پرسید: ان الناس یذکرون ان عندکم صحیفه طولها سبعون ذراعاً فیها ما یحتاجون الیه الناس، و ان هذا هو العلم (صغار: ۱۳۹، ۱۴۰۴ ح ۳) مردم می گویند نزد شما صحیفه ایست که طولش هفتاد ذراع بوده در آن تمام نیازهای مردم آمده است.

روایات، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را وراثت علوم و عطایای تمام انبیاء بیان می کنند. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۲۵ ح ۵؛ صغار: ۱۳۶، ۱۴۰۴ ح ۵) از روایات استفاده می شود آن صحیفه ها حاوی مطالبی ارزشمند و در برگیرنده مبانی و دلایل معارف الهی بوده اند. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۱۶۹ ح ۳؛ شیخ صدوق: ۱۳۶۲، ۵۸۹ ح ۱۵) همچنین در روایات بیان شده که ولایت امیرالمومنین در تمام صحف انبیاء مکتوب می باشد. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۴۳۷ ح ۶؛ صغار: ۷۲، ۱۴۰۴ ح ۱) همانگونه که شواهدی از کتب انبیاء

سابق طبق روایات بر این امر دلالت دارد. (شیخ صدوق، ۱۷ به بعد، ۱۸۰ ح ۱۵؛ کلینی: ۱۳۶۵: ۵۱۵ ح ۳) در روایات تاکید شده صحف انبیاء گذشته توسط پیامبر به ائمه (علیهم السلام) به ارث رسیده است. (صفار: ۱۳۷، ۱۴۰۴ ح ۹ و ۱۰، ۱۳۸ ح ۱۳ و ۱۵) در برخی روایات به نقل و انتقال کتب و حتی واسطه های انتقال صحیفه ها از امامی به امامی دیگر تصریح شده است. (کلینی: ۱۳۶۵: ۱، ۲۹۰ ح ۲۹۰، ۳۰۳ ح ۱؛ طبرسی: ۱۳۹۰، ۲۵۷؛ صفار: ۱۴۰۴، ۱۴۸ ح ۱۶۳، ۹ ح ۱۶۴، ۳؛ مجلسی: ۲۶: ۱۴۰۴، ۵۰ ح ۹۶ و ۵۱، ۹۷ ح ۱۰۰، ۱۸۳ ح ۱۸۷، ۱۲ ح ۲۴) که از اینگونه روایات و روایات دیگر استفاده می شود این انتقال، انتقالی حقیقی بوده و صحف اصلی انبیاء در اختیار ائمه بوده است.

روایات علم امام، به روشنی دلالت می کند، دانش هر امامی به امام پس از او انتقال می یابد. (ر.ک صفار: ۱۴۰۴، ۱۶۲-۲۰۸) در مورد جامعه و کتب در اختیار امیرالمومنین نیز روایاتی دلالت بر انتقال و در اختیار داشتن این صحیفه می نماید.

از سلیم بن قیس که گزارش وصیت امیرالمومنین به امام حسن را بیان می کند نقل شده است، حضرت با اعطاء نگاشته های نزد خود و سلاح پیامبر به امام حسن فرمود: پیامبر دستور فرمود، سلاح و کتب را به تو بسپارم همانگونه که رسول خدا آنها را به من سپرد، و به من فرمود که تو را امر کنم هنگام مرگ، آن ها را به برادرت حسین بسپاری. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۹۷ و ن.ک همو، ۲۹۸)

فضیل بن یسار از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند، هنگامی که امام حسین (صلوات الله علیه) به سمت عراق حرکت نمود، به ام سلمه کتابهایی را سپرد و ام سلمه آنها را پس از شهادت حضرت، به امام سجاد تحویل نمود. (شیخ طوسی: ۱۴۱۱، ۱۹۵)

عیسی بن عبداللّه به نقل از جدش می گوید، هنگام رحلت امام زین العابدین، ایشان به امام باقر فرمود ای محمد این صندوق را به خانه ببر، که مملو از علم است. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۳۰۵؛ صفار: ۱۴۰۴، ۱۶۵)

زراره از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند، ما مضمی ابوجعفر حتی صارت الکتب الی. (صفار: ۱۴۰۴، ۱۶۵؛ ابن بابویه: ۱۴۰۴، ۶۵)

علی بن یقظین می گوید امام کاظم (صلوات الله علیه) به فرزندش علی (امام رضا علیه السلام) اشاره نمود و فرمود او فقیه ترین فرزندان من است و من نگاهشته ها و کتب نزد خود را به او بخشیدم. (صفار: ۱۶۱، ۱۴۰۴؛ ابن بابویه: ۱۳۷۸، ۱: ۲۲)

و روایاتی مشابه این روایات که یا از انتقال کتب به ائمه بعدی خبر می دهند و یا از نمایش دادن کتب در اختیار ائمه (علیهم السلام) به اصحاب گزارش می کنند. (ر.ک نعمانی: ۱۳۹۷، ۳۲۷؛ کلینی: ۱۳۶۵، ۷: ۱۱۳؛ صفار: ۱۴۰۴، ۱۵۶) از همین رو امام باقر (علیه السلام) هنگامی که گروهی از اهل کوفه نزدشان بود، فرمود، تعجب است از مردم که می گویند تمامی دانش خود را از رسول خدا گرفته اند پس با عمل به آن هدایت می شوند، و می گویند اهل بیتش علم و دانش رسول خدا را دریافت نکرده اند، در حالی که ما اهل بیت و فرزندان او هستیم، در منازل ما وحی نازل و از نزد ما علم به آنها رسیده است. آیا گمان می کنند آنها می دانند و هدایت شده اند و ما جاهلیم و گمراه. این محال و دور از واقعیت است. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۳۹۸)

در روایتی امام باقر (علیه السلام) پس از سخن از وجود جامعه به مهران به اعین می فرماید: "لو ولینا الناس لحکمنا بما انزل الله". (صفار: ۱۴۰۴، ۱۴۳ ح ۵)

### نیاز مردم و جامعه

موضوع پدید آمدن مسائل جدید و نیاز مردم به آگاهی از احکام مسائل جدید از جمله مواردی است که در روایات ذیل عنوان جامعه مورد اشاره قرار گرفته اند. ائمه (علیهم السلام) وجود جامعه را نزد خودشان یکی از منابع نیازمندی مردم به ایشان معرفی نموده اند و آگاهی و شناخت خود را از جامعه سبب بی نیازی از دیگران دانسته اند این روایات با اشاره به پدیدار شدن موضوعات و مسائل نو، وجود جامعه را سبب بهره مندی کامل و توانمندی پاسخ صحیح و مناسب به آنها بیان نموده اند. همچنین در این روایات بیان شده، دوری و غفلت از جامعه سبب فاصله گرفتن از واقع و قوانین و دستورات حقیقی خداوند، با تمسک به قیاس (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۵۷ ح ۱۴؛ صفار: ۱۴۰۴، ۱۴۶ ح ۲۳، ۱۴۹ ح ۱۶) و نظریات شخصی می باشد. (صفار: ۱۴۰۴، ۱۴۶ ح ۲۲، ۱۴۸ ح ۸) تعابیری همانند «علم یستغنی به عن الناس و لایستغنی الناس عنه» (صفار: ۳۲۶، ۱۴۰۴ ح ۱ و ۲) یا علم جدید (همو، ۱۶۶ ح ۱۶) خواندن محتوای

جامعه و یا جامعه را مصداق آیه ﴿وَأَثَرَهُ مِنْ وَعْمٍ قَدِمْتُمْ﴾ (احقاف/ ۴). کتابی پیش از این [قرآن] یا بازمانده‌ای از دانش نزد من آورید" (همو، ۱۵۸ ح ۱۶۷، ۲۰ ح ۲۱) دانستن، نشان دهنده و بیان گر این امرند. بیان روایات در تمسک به شیوه قیاس توسط مخالفین در برابر منبعی علمی و یقینی مانند جامعه، خود قرینه‌ای است که مراد از محتوای جامعه را روشن می‌نماید چرا که قیاس مستمسکی برای یافتن احکام و حلال و حرام توسط فقهاء سنی می‌باشد.

قرائت و روایت زراره از مصحف علی یا جامعه که مشتمل بر احکام و تکالیف عملی بوده است، نشان می‌دهد تا چه اندازه جریان غالب سیاسی نسبت به حقایق احکام جفا و زمینه نابودی و تعطیلی احکام الهی را پدید آورده اند، همچنین از این روایت تفاوت احکام واقعی با نظریات اهل سنت به وضوح آشکار می‌شود. (کلینی: ۷، ۱۳۶۵: ۹۴ ح ۳) مویذ تفاوت صحیفه با دیدگاه مطرح، پاسخ حضرت به سوال ابتدائی زراره است که منجر به رویت جامعه شد، او می‌گوید: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْجَدِّ فَقَالَ مَا أَجِدُ أَحَدًا قَالَ فِيهِ إِلَّا بِرَأْيِهِ إِلَّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. حضرت تمام دیدگاه‌های مطرح را مخالف آنچه امیرالمومنین در صحیفه خود آورده اند بیان میکنند، و به عبارتی دیدگاه امام علی علیه السلام را دیدگاهی متفاوت دانسته است. نکته دیگری که از این روایت استفاده می‌شود تاییدی بر روایات حل تعارض میان اخبار است که یک راه آن را مخالفت با عامه مطرح نموده اند. پس این روایت از این جهت بیانی خاص در تایید مسئله شیوه حل تعارض میان روایات است.

### جامعه و شیوه مخالفین در به دست آوردن احکام

از جمله مطالبی که از روایات ذیل عنوان "جامعه" می‌توان استفاده نمود، استدلال و احتجاج به وجود جامعه در برابر شاخه‌های انحرافی مذهب تشیع و بلکه دیگر فرق و مذاهب می‌باشد. ائمه معصومین (علیهم السلام) با توجه دادن به مبادی معرفتی و لزوم مستند و منقح بودن احکام و فتاوی صادر شده توسط علماء، منبع معرفتی و آگاهی خود را مستند به کلمات پیامبر (صلوات الله علیه و آله) می‌دانند. فضیل از امام باقر نقل می‌کند: انا علی بینة من ربنا بینها لنبیة فیینها نبیة (صلی الله علیه و آله) و سلم لنا و لولا ذلک لکنا کهلواء الناس. (شیخ مفید: ۱۴۱۳، ۲۸۰؛ صفار: ۱۴۰۴، ۲۹۹ ح ۲، ۳۰۱ ح ۹ و روایاتی با

این مضمون مجلسی: ۱۴۰۴، ۲۶: ۳۰ ح ۴۲، ۳۱ ح ۴۴ و ۴۳) ما بر بینه ای که خدا آنرا برای پیامبر خود روشن نموده هستیم که پیامبر آنرا برای ما روشن نمود و اگر اینگونه نبود مانند این مردم بودیم. ائمه علیهم السلام در مقابل، ریشه و مصدر احکام و فتواهای علمایی چون ابوحنیفه و ابن شبرمه را قیاس و ظن و تخمین دانسته‌اند. ابی شبیه نقل می کند که از امام صادق (صلوات الله علیه) شنیدم: «آگاهی و دانش ابن شبرمه در برابر جامعه گمراهی است، همانا وجود جامعه برای کسی مجال کلام و حرفی باقی نمی گذارد، در آن علم حلال و حرام گرد آمده است. همانا اصحاب قیاس با قیاس نمودن خواستار دست یافتن به علم شدند در حالی که اینگونه کسب علم کردن جز دوری از حقیقت ثمری ندارد و همانا دین خدا با قیاس نمودن به دست نمی آید». (کلینی: ۱، ۱۳۶۵: ۵۷ ح ۱۴؛ صفار: ۱۴۶، ۱۴۰۴ ح ۲۳، ۱۴۹ ح ۱۶) روایت مذکور علاوه بر آن که محتوای جامعه را علم حلال و حرام بیان می کند، دوری از آن را سبب بی راه رفتن و دور شدن از حقیقت می داند.

همچنین ابن ابی عمیر از محمد بن حکیم نقل می کند امام ابوالحسن (علیه السلام) با تبیینی از علت هلاکت اقوام گذشته، پندار ناقص بودن دین خاتم را مردود می شمرد و با پاسخ به این پرسش که نیازمندی های پس از پیامبر با توجه به ختم رسالت چگونه تامین خواهد شد، می فرماید: خداوند دین خود را برای پیامبرش کامل نمود که این اکمال دین در دو ساحت حیات و ممات پیامبر محقق می گردد در زمان حیات ایشان با وجود خودشان و در زمان رحلت ایشان با اهل بیتشان. (صفار: ۱۵۰، ۱۴۰۴ ح ۱۸، ۱۴۷ ح ۳؛ محدث نوری: ۱۴۰۸، ۱۷: ۲۶۰ ح ۲۱۲۸۵؛ مجلسی: ۱۴۰۴، ۲۶: ۳۴ ح ۵۶) حضرت پندار ناقص دین و یا کامل بیان نشدن شریعت و احکام اسلام را رد و طریق و راه رسیدن به آن حقایق را تمسک به امامان برای دریافت نیازمندیها و یافتن پاسخ حقیقی سوالات بیان می کنند، حضرت (علیه السلام) جریان اهل بیت علیهم السلام را در مقابل جریان فقهی مانند ابوحنیفه می داند که طبق رأی و نظر خود نه آن حقیقتی که خدا با آن دینش را کامل نموده به فتوا و بیان حلال و حرام خدا می پردازد و در واقع دین خدا را ناقص و عقل و خرد ناقص خود را کامل کننده شریعت، و دین حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را نیازمند امثال ابوحنیفه می دانند.

**جامعه و دیگر صحیفه ها**

در روایات از کتابها و صحیفه های متعددی که در اختیار ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده نام برده شده است. که گاه از تعدادی از آنها با عنوان مشترک نام برده شده مثل عنوان جفر، از این رو در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می شود که تفاوت این کتب و صحیفه ها در چه بوده و آیا بر جامعه عنوان جفر و یا سائر عناوین اطلاق گردیده است.

روایات فراوانی دلالت می کنند علم هر پیامبری به پیامبر پس از خود و اوصیاء او منتقل می گردد. این انتقال با تعبیر ارث رسیدن و ارث بردن به کار رفته است. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۲۱-۲۲۳ ح ۱ تا ۸، ۲۲۵ ح ۴) در روایات این انتقال علم تنها اختصاص به علوم مکتوب هم ندارد، بلکه گفته شده علمی که با آدم ابوالبشر به زمین آمد علمی ماندگار و باقی در زمین است که به انبیاء و ائمه (علیهم السلام) به ارث رسیده است. (همان)

کتابهای آسمانی پیامبران گذشته مانند تورات، زبور، انجیل و صحیفه هایی مثل صحف موسی و ابراهیم از جمله علوم مکتوبی است که پیامبر اکرم واسطه در انتقال آن به امام علی (علیه السلام) است و همچنین هر امامی واسطه در انتقال به امام بعدی می باشد. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۲۳ ح ۱ و ۳، ۲۲۵ ح ۴ و ۵ و ۶، ۲۵۶ ح ۷؛ مجلسی: ۱۴۰۴، ۲۶: ۲۰ ح ۷)

از این کتابها و صحیفه ها در برخی روایات با عنوان مختصر جفر ابیض یاد شده است. طبق برخی روایات جفر ابیض شامل: زبور، تورات، انجیل، صحیفه های موسی و ابراهیم است. برخی روایات مصحف فاطمه (سلام الله علیها) را نیز در ذیل جفر ابیض نام برده اند. (کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۰ ح ۳؛ صفار: ۱۴۰۴، ۱۵۰ ح ۱) در برخی دیگر از روایات تمام کتابهای الهی قبل از تورات و انجیل در عنوان جفر ابیض قرار گرفته اند. (طبرسی: ۲، ۱۴۰۳: ۳۷۲؛ شیخ مفید الف: ۱۴۱۳، ۲: ۱۸۶؛ طبرسی: ۱۳۹۰، ۲۸۴؛ اربلی: ۱۳۸۱، ۲: ۱۷۰؛ روضه الواعظین ج: ۱ ص: ۲۱۰؛ الخرائج والجرائح ج: ۲ ص: ۸۹۴) روایاتی دیگر با عنوان جفر به تنهایی بدون صفت ابیض آنچه را مشتمل بر جفر دانسته، سلاح و کتب رسول الله و مصحف فاطمه (سلام الله علیهما و آلهما) بیان نموده اند. (صفار: ۱۵۴، ۱۴۰۴ ح ۹؛ مجلسی: ۱۴۰۴، ۲۶: ۸۰ ح ۵)

احادیث از در اختیار داشتن صحیفه های گوناگونی توسط ائمه خبر می دهند به گونه ای که طبق برخی روایات خواندن و فهم نوشتار درون برخی صحیفه ها توسط غیر امام ممکن نبوده است. (شیخ مفید: ۲۸۴، ۱۴۱۳؛ صفار: ۳۰۷، ۱۴۰۴ ح ۱؛ مجلسی: ۲۶، ۱۴۰۴؛ ۵۵ ح ۱۱۵) عنوان کلی تمام صحیفه ها گاه با افزودن صفت ابیض بر لفظ جفر، به صورت جفر ابیض به کار برده شده است.

### جفر ابیض شامل دو دسته کتب

شاید بتوان گفت جفر ابیض عنوانی است که شامل دو دسته از کتب می شود:

۱- دسته ای که قابل مشاهده بودند به گونه ای که آگاهان به زبان آن کتاب می توانستند آن را قرائت کنند و مطالب آن را درک و فهم نمایند مثل کتب تورات و انجیل. (صفار: ۱۴۰۴، ۱۳۷ ح ۱۱، ۳۲۵ ح ۴؛ مجلسی: ۲۶، ۱۴۰۴، ۱۸۶ ح ۲۰)

۲- دسته دوم نوشته هایی که به صورت رمز و اشاره بوده اند.

به هر حال آنچه از روایات بدست می آید آن است که جفر (مقصود کتب و صحف انبیاء است) شامل علم گسترده و فراوانی بوده است. ابو عبیده از امام صادق صلوات الله علیه نقل می کند که حضرت در پاسخ از جفر بیان داشت: هو جلد ثور مملو علماً. (صفار: ۱۴۰۴، ۱۵۳ ح ۶؛ کلینی: ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱ ح ۵) در روایت دیگری حمران بن اعین از امام صادق علیه السلام سؤال می کند: آیا تورات و انجیل و زبور و آنچه در صحیفه های اولی که صحف ابراهیم و موسی باشد نزد شما است؟ حضرت می فرماید بله. حمران می گوید عرض کردیم این همان علم بزرگ و اکبر است؟ حضرت می فرماید: اگر علمی غیر از علمی که برای گذشتگان است نزد ما نبود بله، علم اکبر آن بود، اما ما یحدث باللیل و النهار که علمش نزد ما است اعظم و بزرگ تر است. (صفار: ۱۴۰، ۱۴۰۴ ح ۵؛ مجلسی: ۲۶، ۱۴۰۴، ۲۰ ح ۷)

### نتیجه گیری:

الصحیفه الجامعه که به اختصار به آن جامعه اطلاق می شده اثری است به املاء پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) و کتابت امام علی (علیه السلام) که شامل نیازمندیهای مردم پس از دوران ختم نبوت، به احکام و حلال و حرام می باشد. این کتاب در دسترس عموم نبوده و منحصر در اختیار ائمه (علیه

السلام) بوده است و نشان امامت به شمار می آمده است. امیرالمومنین علیه السلام به عنوان واسطه انتقال علم پیامبر (صلوات الله علیه و آله و سلم) به ائمه (علیهم السلام) نقش اساسی و محوری در این باره داشته است.

با توجه به وظیفه الهی ائمه (علیهم السلام) در صیانت از کتاب الهی و سنت نبوی قطعی بودن نقش سنت در کلیه معارف دینی و مسأله انتقال این معارف در سلسله امامت و ولایت می توان به جایگاه برجسته الصحیفه الجامعه پی برد. تاکید روایات بر این صحیفه از جهتی پاسخ به مسئله چگونگی آگاهی امام از احکام و مستند فتاوی امامان شیعه می باشد.

از جریان جامعه و دیگر صحیفه هائی که در اختیار ائمه علیهم السلام قرار داشته است، اهمیت و جایگاه اثر مکتوب در مکتب اهل بیت علیهم السلام دانسته می شود. و بالتبع می توان ادعا نمود این امر عاملی موثر در اقبال شیعه به نوشتار و اثر مکتوب بوده است.

#### منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه علی بن حسین، ۱۴۰۴، الامامه والتبصره من الحیره، قم، مدرسه امام مهدی، اول.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی محمد بن علی، ۱۳۷۹، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۴. إربلی علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمه، تبریز، چاپ مکتبه بنی هاشمی.
۵. آلوسی سید محمود، ۱۴۱۵، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول.
۶. ترمذی، ۴۰۳ سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر.
۷. رازی فخرالدین ابو عبد الله محمد بن عمر، ۱۴۲۰، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.



۸. راوندی قطب الدین، ۱۴۰۹، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی (عج).
۹. زمخشری محمود، ۱۴۰۷، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی.
۱۰. سلیم بن قیس هلالی کوفی، ۱۴۱۵، کتاب سلیم بن قیس، قم، انتشارات الهادی.
۱۱. شاکر اشتیجه محمد تقی، ۱۳۹۰، منابع علم امام علیه السلام و پاسخ گوئی به شبهات پیرامون آن، قم، دانشکده علوم حدیث.
۱۲. شیخ صدوق محمد بن علی، ۱۳۷۸، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
۱۳. شیخ صدوق، ۱۳۶۲، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامی.
۱۴. شیخ صدوق، ۱۳۹۸، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۵. شیخ مفید، ۱۴۱۳، الإختصاص ب، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۱۶. شیخ مفید، ۱۴۱۳، الإرشاد الف، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید.
۱۷. صفار محمد بن حسن بن فروخ، ۱۴۰۴، بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۸. طبرسی ابو منصور احمد بن علی، ۱۴۰۳، الإحتجاج، مشهد مقدس، نشر مرتضی.
۱۹. طبرسی امین الاسلام فضل بن حسن، ۱۳۹۰، إعلام الوری، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۰. طوسی محمد بن حسن، ۱۴۱۴، الأمالی، قم، انتشارات دارالثقافه.
۲۱. طوسی محمد بن حسن، ۱۴۱۱، الغیبه، قم، دارالمعارف الإسلامیة، اول.
۲۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۱۱۰ جلد، مؤسسه الوفاء بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ هجری قمری
۲۳. فتال نیشابوری محمد بن حسن، ۱۳۷۵، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی.
۲۴. کلینی ثقة الاسلام، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. محدث نوری، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۶. نعمانی محمد بن ابراهیم بن ابی زینب، ۱۳۹۷، الغیبه، تهران، نشر صدوق، اول.